به یاد نازنین پسرم

بیگمان پسرم معین یکی از ایزدان یزدان و ستارگان خلقت بود. هرچند در پندار آدمیان معلول ذهنی بود. پنداری که ناشی از نفس تمامت خواه و غرایز لایتناهی بشر است. او به واقع فرشته‌ای از فرشتگان زمینی خداوند بود. چرا که از حب مال و زر و زور که جان آدمیان است بری بود و در پاکی نفس، بر هر زاهدی فزونی داشت. چرا که زُهد زاهد، در همه عمر از سر تمنای بهشت باشد و زاهد نداند که زهد بالذات درترکِ تمنای بهشت است.

عجبا که بهشت دنیایش قطعهٔ ۳۰۴ شهرکِ ساحلیش بود لیک به تقدیرِ الهی وحکمتِ چرخهٔ گردون درشبانگه ۱۳۸۸/۰۸/۱۶ به یکباره باد قضا و قَدر چنان وزیدن گرفت که قطعه ۳۰۴ بهشت زهرا را دروازه بهشت وی گرداند.

فهرست

یکصد نظریه حقوقی کاربردی مرجع وکلاء دادگستری		
شماره	عنوان	صفحه
۱	دعوی ابطال سند انتقالی، فک رهن، اثبات صحت وقوع بیع	۱۳
۲	دعوی الزام به انتقال رسمی ملک	۱۳
۳	دعوی تقسیم ترکه و تحریر ترکه	۱۴
۴	دعوی فسخ قرارداد	۱۵
۵	دعوی ابطال سند	۱۶
۶	دعوی بطلان سند	۱۶
۷	دعوی تخلیه ید و رفع ید	۱۷
۸	دعوی دستور تخلیه و حکم تخلیه	۱۸
۹	دعوی خلع ید	۱۹
۱۰	دعوی اعتراض ثالث	۱۹
۱۱	ضبط ضمانت نامه تعهدات پیمانکار فاقد مشروعیت است	۲۰
۱۲	ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان فاقد ضمانت اجرایی است	۲۲
۱۳	دعاوی علیه شهرداری، بیمه، بانک	۲۳
۱۴	دعاوی خلع ید مشاعی، تسلیط(وضع ید.)	۲۳
۱۵	دعاوی تعیین کننده صلاحیت دادگاه	۲۴
۱۶	دعوی کارفرما و پیمانکار در موضوع تحویل ساختمان	۲۴
۱۷	دعوی با موضوع تعرض به نمای ساختمان	۲۶

۱۸	دعوی اخذ به شفعه	۲۷
۱۹	شکایت خیانت در امانت	۲۸
۲۰	دعوی ابطال صلحنامه	۳۰
۲۱	دعوی کارگر و کارفرما	۳۱
۲۲	دعوای حجر	۳۴
۲۳	اعتراض ثالث در مقطع فرجامخوهی و در شکایات	۳۶
۲۴	دعاوی طاری، وقایع طاری، فروعات دادرسی	۳۷
۲۵	دعاوی تصرف، اصلی یا فرعی؟	۳۸
۲۶	دعاوی تصرف، عام یا خاص؟	۳۹
۲۷	دعاوی تقابل، متقابل و اضافی	۴۰
۲۸	دعاوی نفی ولد و نسب، الحاق فرزند، فرزند نامشروع	۴۱
۲۹	دعوی مصداق ضرب المثل لقمه را دور سر چرخاندن	۴۲
۳۰	دعوای تقلیل خسارت	۴۴
۳۱	شکایت قلع و قمع بنا در حوزه جهاد کشاورزی	۴۵
۳۲	دعوای الزام به تنظیم سند	۴۶
۳۳	دعاوی قرض و ربا	۴۷
۳۴	دعوای راجع به ضمانت نامه بانکی	۵۱
۳۵	در باب مستثنیات توکیل	۵۷
۳۶	در باب اهلیت موکل	۵۷
۳۷	در باب وکالت مع الواسطه	۵۸
۳۸	در باب وکالت ماخوذ از اشخاص حقوقی	۵۹
۳۹	در باب احراز سمت	۶۰
۴۰	در باب صلاحیت ذاتی	۶۱
۴۱	در باب نحوه دفاع وکیل در دادسرای عمومی	۶۲
۴۲	در باب فوریت حقوقی	۶۳
۴۳	در باب ضررِ جبران ناپذیر	۶۴

۴۴	در باب ضرر جبران پذیر	۶۵
۴۵	در باب جلب ثالث و ورود ثالث	۶۷
۴۶	در باب مرور زمان	۶۸
۴۷	در باب بدل مرور زمان	۶۹
۴۸	در باب دستور موقت	۷۱
۴۹	در باب تامین خواسته	۷۲
۵۰	در باب ناگفته‌های اعتبار امر مختوم	۷۴
۵۱	در باب امضاء	۷۵
۵۲	در باب انشاء	۷۷
۵۳	در باب قیم	۷۸
۵۴	در باب اصول اثبات دعاوی	۷۸
۵۵	در باب مطالبه خسارت ناشی از هتک حرمت	۷۹
۵۶	در باب ضِمان دَرَک، معاوضی، علی الید	۸۰
۵۷	اثر تطویل زمان بر قانون مثلا بر مسئولیت سر دفتر	۸۱
۵۸	در باب حق حبس	۸۳
۵۹	در باب آداژ	۸۵
۶۰	در باب قابلیت تبدیل محکوم به از فعل به پول	۸۸
۶۱	در باب تحصیل مال از طریق نامشروع	۸۹
۶۲	در باب رابطه حق با قانون	۹۰
۶۳	در باب تقویم دعاوی فسخ قرارداد مشارکت	۹۱
۶۴	در باب اصول مجازاتها (قانونی،شخصی، فردی بودن)	۹۲
۶۵	در باب مفاهیم حقوقی رضا، قصد، اراده، اختیار	۹۳
۶۶	در باب قبح عقاب بلابیان	۹۴
۶۷	در باب قاعده درأ، شبهات جرم، عمد و شبه عمد	۹۵
۶۸	در باب قلمرو ثبت رسمی در عقود شرعی	۹۵
۶۹	در باب اصل حق و ارزیابی حق	۹۷

۷۰	در باب تامین دلیل	۹۹
۷۱	در باب شرکت وکیل در مدعی به	۱۰۱
۷۲	عادی یا رسمی بودن پیمان فی مابین کارفرما و پیمانکار	۱۰۲
۷۳	صور سندیت اسناد	۱۰۳
۷۴	ممیزی حوادث قهری	۱۰۴
۷۵	اسباب موجهه جرم، اسباب رافعه جرم	۱۰۴
۷۶	تملک و تملیک	۱۰۵
۷۷	در وصف خواندگان دعوی	۱۰۶
۷۸	در وصف خیارات خاص	۱۰۸
۷۹	مسئولیت مدنی و مصادیق تقصیر	۱۰۹
۸۰	تفاوت انکار با تردید، تفاوتشان با جعل	۱۱۰
۸۱	قرارهای اِعدادی، قرارهای قاطع دعوا، قرار سقوط دعوی	۱۱۲
۸۲	تفاوتها درماهیت قضاوت، کارشناسی و داوری	۱۱۳
۸۳	تفاوت قولنامه و مبایعه نامه	۱۱۵
۸۴	تفاوت دارائی با ثروت و فایده آن درحقوق	۱۱۶
۸۵	تفاوت دادخواست با درخواست	۱۱۸
۸۶	تفاوت نکاح دائم با موقت و توصیفی از شروط باطل	۱۱۹
۸۷	دفاع وکیل خوانده دعوی	۱۱۹
۸۸	آثار حقوقی عدم ابلاغ قرارداد در دعاوی پیمانکاری	۱۲۱
۸۹	نقش شهادت در اثبات اعمال حقوقی	۱۲۲
۹۰	مقررات حاکم دردعوای بین مالک اعیان ومالک عرصه	۱۲۲
۹۱	قلمرو وکالت، وصایت و منجزات و اسباب بطلان آنها	۱۲۴
۹۲	جرح داوری	۱۲۵
۹۳	آیا داوری مدیر حقوقی سازمان دولتی مجروح است	۱۲۷
۹۴	آیا داوری بین شرکتهای دولتی و غیر دولتی مجروح است	۱۲۹
۹۵	نقد نظریه مشورتی ۷/۶۶مورخ۹۱/۱۰/۲۲ در جرح داور	۱۳۴

۹۶	بررسی سلب حق اعتراض به رای داوری	۱۳۵
۹۷	قابلیت تجدید نظر خواهی از رای داور	۱۳۶
۹۸	تعیین داور توسط دادگاه	۱۳۷
۹۹	داور اختصاصی	۱۳۸
۱۰۰	ماهیت حق کسب و پیشه	۱۳۹
ده مقوله حقوقی و توصیفی فقهی		
۱	مبنای دو برابری ارث	۱۸۹
۲	مبنای دو برابری دیه	۱۹۱
۳	مبنای برتری مرد در طلاق	۱۹۳
۴	مبنای دیه و احکام آن	۱۹۴
۵	رفع شبهات وارده به قواعد ارث در پاسخ به بهرام مشیری	۱۹۶
۶	حالات نفسانی انسان در مواجهه با مشتبهین	۲۰۲
۷	توصیفی از حضرت محمد ص	۲۰۹
۸	واقعه شهادت حضرت علی ع	۲۱۳
۹	واقعه شهادت امام حسین ع	۲۱۴
۱۰	حیله و مکر معاویه درجنگ صفین	۲۲۲

یکصد حکایت حقوقی کاربردی

مرجع وکلاء دادگستری

«۱»

دعاوی : ابطال سند انتقالی، فک رهن، اثبات صحت وقوع بیع

دعوی ابطال سند انتقالی هرگاه توسط ثالثی طرح میشود، باید به طرفیت منتقل الیه و مالک قبل از او و هر شخص دیگری که ممکن است از دعوی متضرر شوند اقامه گردد. خوانده قرار دادن سردفتر صحیح نیست. زیرا صدور حکم بر له یا علیه سردفتر متصور نیست. مگر در دعاوی مسئولیت مدنی و انتظامی و نه ابطال سند. دعوای فک رهن بایستی به خواسته الزام راهن به فک رهن و الزام به تنظیم سند اقامه شود. از آنجا که فروش مرهونه به اعتبار برخورداری مرتهن از حق عینی تبعی مجاز است و صدور حکم نیز بر له یا علیه مرتهن نیز متصور نیست نباید مرتهن را خوانده قرار داد. در دعوی اثبات صحت وقوع بیع نیز نباید متصرف احتمالی ملک را خوانده قرار داد زیرا نقشی در ثبوت دعوی نداشته و صدور حکم بر له یا علیه وی متصور نیست. البته پس از صدور حکم قطعی مبنی بر اثبات صحت وقوع بیع میتوان دعوی خلع ید یا تحویل مبیع را علیه متصرف اقامه نمود.

«۲»

دعوای الزام به انتقال رسمی ملک

در این دعوی مدعی باید همه افراد ذیمدخل در دعوی را خوانده قرار دهد. همه کسانی که از این دعوی متضرر میشوند و یا تمام کسانی که موجبات انتقال اولیه را فراهم نموده‌اند. بنابراین دعوی شامل همه کسانی میشود که یا وکیل در انتقال

ملک بوده و یا فروشنده در مقطع پیش فروش بوده و یـا متصـرف کنـونی ملـک است و یا دارنده سند مالکیت اولیه است.

«۳»

دعوی تقسیم ترکه و تحریر ترکه

تقسیم و تحریر ترکه دعوی فی مابین وراث اسـت. نـه از آن جهـت کـه ناشـی از قدرالسهم باشد، بلکه از آن جهت که یا در سپردن اموال منقول برای مدت موقت جهت حفاظت و یا در تقسیم بین خود تراضی ندارند. در نتیجه از دادگاه خـانواده حسب مورد درخواست تحریر ترکه و یا تقسیم ترکه میکنند. اگر متعلـقِ تقسـیم ترکه، اموال منقول باشد لازمه آن بدوا تحریر ترکـه اسـت. لـذا لازم اسـت وکیـل خواهان ابتدا درخواست تحریر ترکه اموال منقول را ثبـت کنـد. خواهـان یکـی از وراث است که تاکید بر تقسیم ترکه دارد و از این حیث آغازگر دعـوی میشـود و بقیه وراث را خواندگان دعوی قرار میدهد. در تحریر ترکه شورای حل اخـتلاف از اموال منقول صورت برداری کرده تا زمان تعیین تکلیف تحویل امـین میدهـد. در قدم بعدی وکیل درخواست تقسیم ترکه را ثبـت نمـوده و صـورت امـوال تحریـر ترکه را مستند درخواست قرار میدهد. دادگاه قرار کارشناسـی مبنـی بـر ارزیـابی قیمت را صار کرده و اجرای احکام مدنی پس از فروش امـوال در مزایـده و کسـر هزینه‌های برگزاری مزایده و نیم عشر و هزینـه کارشناسـی مـابقی را بـه نسـبت سهام حصر وراثت بین وراث پرداخت میکنـد. اگـر موضـوع تقسـیم ترکـه امـوال غیرمنقول باشد، وکیل خواهان اسناد ملکی مربوطه را مستند دادخواست تقسـیم قرار میدهـد. در اینمـورد دادگـاه بـدوا کارشـناس رسـمی دادگسـتری در رشـته ساختمان را مامور ارزیابی قیمت میکند و پس از نهایی شدن فراینـد کارشناسـی

حکم فروش اموال را در مزایده توسط واحد اجرای احکام صادر میکند. اجرای احکام مدنی نیز برابر آئین نامه اجرایی قانون اجرای احکام پس از فروش اموال در مزایده مبلغ حاصله را پس از کسر حقوق دولتی و هزینه کارشناسی و هزینه برگزاری به نسبت سهام منعکس در حصر وراثت در وجه خواهان و خواندگان پرداخت میکند. در دعوای تحریر ترکه و تقسیم ترکه تفاوتی بین خواهان و خواندگان نیست و محکوم علیه و محکوم له و محکوم به در آنها موضوعیت ندارد. زیرا تعارض منافع و تعهدی نسبت به یکدیگر ندارند.

«٤»

دعوای فسخ قرارداد

درخواست فسخ هنگامی است که خوانده ایفای تعهد نکرده است. پس وکیل باید در ستون خواسته دادخواست، تایید و تنفیذ فسخ قرار داد را درج نماید. و در منظمات قرارداد حتما اظهارنامه‌ای که به موجب آن موضوع فسخ قبلا به طرف قرارداد اعلام شده و طرف مقابل پاسخی نداده و یا پاسخ منفی داده است را ضمیمه نماید. همچنین تاییدیه وصول ابلاغ اظهارنامه ضمیمه شود. باید بین ارسال اظهار نامه و تاییدیه ابلاغ حداقل ده روز فاصله زمانی باشد. لزوم اظهارنامه اعلام فسخ از این جهت است که دادگاه باید در مقام بررسی اقدام یکجانبه خواهان مبنی بر فسخ قرارداد و تصمیم بر تایید یا رد آن قرار گیرد. فسخ برهم زدن عامدانه قرارداد است. بنابراین تقاضای کسی است که مدعی شده است خیار فسخ قرارداد محقق شده و یا دلایلی مستند دارد که دلالت کند بر اینکه طرف مقابل از ایفای تعهدات قراردادی خود امتناع کرده است.

«۵»

دعوی ابطال سند

درخواست ابطال هنگامی است که مفاد قرارداد با موازین شرعی و قانونی مواجه است. ابطال تقاضای کسی است که مدعی است قرارداد، متضمن وجهی از وجوه مغایر با شرع و قانون بوده و قابلیت وفا ندارد. تقاضای ابطال از دادگاه بر خلاف فسخ مستقیما و بدون نیاز به اظهارنامه قبلی ممکن است. زیرا عامل و منشاء ابطال ناشی از اراده قانونگذار و شارع مقدس است و نه اراده مدعی. مدعی صرفا از دادگاه میخواهد که قانون و احکام شرع را با سند و قرارداد تطبیق دهد و در صورت مطابقت، حکم ابطال صادر نماید. پس اگر متقاضی ابطال، بدوا مراتب باطل بودن را به طرف مقابل اعلام کرده یا نکرده باشد اثری در فرایند رسیدگی قضایی نخواهد داشت. تفاوت دیگری که در درخواست فسخ و ابطال وجود دارد این است که دعوای فسخ صرفا به طرف متعهد یا طرف قرارداد اقامه میشود. اما در دعوای ابطال سند رسمی علاوه بر ذینفع، سردفتر نیز طرف دعوی قرار میگیرد. در تفاوت دیگر فسخ و ابطال میتوان گفت که فسخ عموما به اسناد عادی منصرف است و ابطال هم در اسناد عادی و هم در اسناد رسمی متصور است.

«۶»

دعوی بطلان سند

در دادخواست به جای بطلان، ابطال ننویسیم و بالعکس. بطلان راجع به واقعه‌ای است که سند از بدو تنظیم باطل بوده است. تفاوت موضوعی و مفهومی این دو در آن است که بطلان صفت مشبهه بر وزن فُعلان است. در حالیکه ابطال

مصدرثلاثی مزید بر وزن اِفعال است. در نتیجه بطلان به یک واقعه وصفی دلالت دارد. یعنی اینکه سند موضوع دعوا از ابتدای حیات خود سند باطله بوده است. در اینصورت دادگاه عندالاقتضاء این واقعه را تایید یا رد میکند. درحالیکه ابطال راجع به واقعه‌ای است که سند از ابتدا فاسد نبوده بلکه تصرفات بعدی آنرا مواجه با فساد کرده است. در اینجا دادگاه باطل بودن یا نبودن را احراز میکند. برای احراز تمهید دلایل لازم است. برای تایید دلایلی تمهید نمیشود بلکه مدلول سند با احکام قانونی و شرعی مطابقت داده میشود. پس در درخواست ابطال وکیل باید از دادگاه درخواست رسیدگی به تصرفات و اقداماتی که منجر به فساد سند شده را بخواهد. به عبارتی دادگاه در خواسته بطلان مراتب باطل بودن را صرفا تایید یا رد می‌کند. اما در ابطال رسیدگی ماهوی می‌کند و باطل بودن یا نبودن را خود استنتاج می‌کند.

«۷»

دعوی تخلیه ید و رفع ید

تخلیه ید دعوای مالک غیرمنقول علیه متصرفی است که تصرف اولیه او قانونی بوده لیکن ادامه تصرفش غیرقانونی باشد. مانند عدم تخلیه مستاجر پس از پایان مدت اجاره و یا تصرفات شریک پس از انحلال شراکت و یا ادامه تصرفات مستعیر درعقد عاریه و یا امین در عقد امانت پس از مطالبه و یا ادامه وکالت پس از عزل وکیل. مبانی این دعوی مواد ۳۰ و ۳۱ و ۴۹۴ و ۴۹۷ ق.م و قواعد ضمان قهری و علی الید میباشند. اگر متصرف غیر از مستاجر و یا نماینده و خادم او باشد دعوی باید به طرفیت توامان مستاجر و متصرف طرح شود. اما در دعوی رفع ید مالک غیر منقول به استناد مالکیت رسمی و اثبات فقدان اذن متصرف به خواسته رفع

تصرف غیر قانونی که تقریبا مشابه خلع ید است و از حیث آثار نیز با خلع ید یکی است اقامه دعوی میکند. مبانی قانونی رفع ید مواد ۳۰ و ۳۱ و ۳۰۸ تا ۳۱۱ ق.م. قواعد غصب و استیلاء بر مال غیر است.

«۸»

دعوی دستور تخلیه و حکم تخلیه

دستور تخلیه در قانون مالک و مستاجر سال ۱۳۷۶ پیش بینی شده است. ناظر به موردی است که مدت قرارداد مستاجر منقضی شده باشد. صدور دستور تخلیه فوری و بدون رسیدگی ماهوی است. برای اینکه موجر از این مزیت بتواند استفاده کند این است که قرارداد اجاره کتبی و در دو نسخه تنظیم شده و حاوی امضاء دو شاهد و امضای موجر و مستاجر بوده همراه با تودیع ودیعه ماخوذه به سپرده باشد. دستور تخلیه در شورا یا دادگاه صلح بصورت قطعی صادر شده و بلافاصله قابل ارجاع به اجرای احکام است. پس اگر قرارداد کتبی نبوده و یا مدت آن **منقضی نشده** یا دو شاهد نداشته و یا ودیعه به حساب سپرده تودیع نشده نمیتوان از دعوی دستورتخلیه استفاده نمود. در اینصورت باید دادخواست به خواسته حکم تخلیه ثبت گردد . دادخواست به خواسته حکم تخلیه وقتی است که مدت اجاره منقضی نشده و به علت اجور معوقه یا خیار فسخ بوده است. در این حالت موجر باید ابتدا اظهارنامه مبنی بر فسخ قرارداد ثبت کند و پس از ۱۰ روز به ماخذ ابلاغ، دادخواست به خواسته صدور حکم تخلیه ثبت نماید. موجر باید بتواند فسخ ادعا شده را به تایید دادگاه برساند. در اینجا تودیع ودیعه شرط نیست. زیرا پس از تایید و قطعیت فسخ، مالک دادخواست مطالبه اجور معوقه و مستاجردادخواست مطالبه ودیعه را ثبت میکند. این حکم پس از قطعیت در

دادگاه تجدید نظر قابلیت صدور اجراییه دارد. اگر این حکم بصورت غیابی صادر شود، چون مستاجر حق واخواهی پیدا میکند، اجرای حکم موکول میگردد به سپردن ضامن.

«۹»

دعوی خلع ید

خلع ید دعوی مالک مال غیرمنقول است علیه متصرف غیر قانونی. بنابراین هرگاه خواهان بتواند مالکیت خود و غیرقانونی بودن تصرف متصرف را ثابت کند میتواند از این عنوان برای طرح دعوی جهت پس گرفتن ملک و اعاده تصرف استفاده نمود. مبانی این دعوی مواد ۳۰ و ۳۱ و ۳۰۸ تا ۳۱۱ قانون مدنی میباشد. این دعوی در دادگاه عمومی حقوقی محل مال غیرمنقول شنیده میشود.

«۱۰»

دعوی اعتراض ثالث

ثالث دعوی هر زمان که از دعوایی مطلع گردد که نتیجه آن ممکن است منتهی به زیان او گردد و یا به زیان او واقع شده است میتواند در ان دعوی مداخله کند. لیکن این مداخله هنگامیکه دعوی تحت رسیدگی است چه در دادگاه بدوی و چه در دادگاه تجدید نظرمیتواند با ثبت دادخواست ورود ثالث از منافع خود دفاع کند و اگر رای قطعی صادر شده و پس از آن مطلع شده باید در مهلت مقرر به ماخذ تاریخ اطلاع، دادخواست مستقلی به عنوان معترضِ ثالث در همان دادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده ثبت کند. اگر دعوی در مرحله اعاده دادرسی باشد میتواند در همان دادگاه ورود ثالث کند. اما اگر دعوی در فرجامخواهی

شعب دیوان باشد نمی‌تواند وارد شود. به این سبب که دیوان حکم ماهوی صادر نمیکند و بلکه ایراد شکلی و نقص تحقیقاتی دادنامه معترض عنه را بررسی میکند. بنابراین اگر پرونده در مقطع فرجامخواهی است باید دادخواست به عنوان معترض ثالث را تقدیم دادگاه تجدید نظر یا بدوی نماید که پرونده از آن شعبه به دیوان ارسال شده است.

«۱۱»

ضبط ضمانت نامه حسن اجرای تعهدات پیمانکار فاقد مشروعیت است

به نظر اینجانب ضبط ضمانت‌نامه حسن اجرای تعهدات مغایر اصول و موازین مسلم حقوقی است. زیرا در فلسفه حقوق قراردادها ضمانت نامه وسیله ای برای تامین تعهدات است و نه یک منبع درآمد برای کارفرما و نه یک «جریمه مطلق» بدون ارتباط با خسارت واقعی . بدون اثبات خسارت، ضبط ضمانت نامه یک انتقال مالکیت فاقد دلیل موجه است. طبق اصول مسلم حقوقی هیچ شخصی نمی‌تواند مال دیگری را بدون سبب قانونی تملّک کند. ضبط ضمانت‌نامه بدون اینکه: خسارت احراز شود، میزان آن مشخص گردد، تناسب و رابطه سببیت آن اثبات شود . در معرض دارا شدن بلاجهت قرار می‌گیرد. ضمانت نامه در قرارداد نه عنوان وجه التزام دارد و نه جریمه. بخصوص اینکه جریمه‌های قراردادی مانند جرایم تأخیرات غیر مجاز، ضبط کسور وجه‌الضمان همه دارای متن و محدوده مشخصند. پس مبلغ ضمانت‌نامه نمی‌تواند دوباره به‌عنوان جریمه جدید مصرف شود، ضمن آنکه جریمه باید صریح باشد . اصل تفسیر مضیق مقررات اداری اجازه توسعه جریمه را نمی‌دهد. بنابراین کارفرما پس از خلع ید، باید دادخواست مطالبه خسارت ناشی از تخلفات پیمانکار را در دادگاه تقدیم کند.و دادگاه میزان خسارت واقعی را تعیین کند و ارتباط خسارت و تقصیر پیمانکار را احراز کند. در